

آیات قرآن در کلمات

امام حسین علیه السلام

از مدینه تا کربلا

مجموعه صادقی اردستانی

مقدمه

امام حسین (ع) که از ۲۸ ماه رجب سال ۶۰ از مدینه حرکت کرده بود، دوم محرم سال ۶۱ هجرت به سرزمین کربلا رسید، و برای این که مردم را با احکام قرآن آشنا کند و به دوست و دشمن بفهماند، که حرکت و قیام او براساس معارف قرآن است، در بیانات خود و به مناسبت‌های مختلف، آیاتی از قرآن کریم را، مورد استفاده قرار داده است، که در این مقاله، آنها را با اندکی شرح، بررسی می‌کنیم:

۱. ما، از آن خداییم...

وقتی خبر درگذشت معاویه بن ابی سفیان به مدینه رسید، و آن گاه که ولید بن عتبه، والی مدینه امام حسین را برای بیعت با پسر معاویه، یزید، دعوت نمود، آن حضرت آیه «استرجاع» را به زبان جاری نمود و قرائت کرد: **إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** (بقره، ۱۵۶/۲)؛ ما از آن خداییم و به سوی او بازگشت خواهیم کرد.

این آیه را به هنگام اطلاع از حادثه تلخ و نگران کننده‌ای به زبان جاری می‌کنند و امام

حسین (ع) هم، که از استمرار حاکمیت «بنی امیه» برای اسلام احساس خطر می کرد، آن گاه که «مروان حکم» دستیار ولید بن عتبه با تهدید می خواست از حسین بیعت بگیرد، آن بزرگوار برای سومین بار، در مدینه این آیه را قرائت نمود و اعلام خطر کرد، تا به همگان بفهماند او در راه رسیدن به هدف خود، حتی تا فدا کردن جان هم نگرانی ندارد.

۲. پاکیزگی اهل بیت (ع)

وقتی، ولید بن عتبه، نتوانست به طور طبیعی برای یزید در مدینه بیعت بگیرد، مروان بن حکم، همکار فرومایه او، راه ارباب و تهدید را پیش گرفت، تا بلکه بدین وسیله بتواند برای بیعت گرفتن از حسین بن علی (ع) و مشروعیت بخشیدن به حکومت یزید نتیجه بگیرد، اما آن حضرت، با یادآوری سوء سابقه و عدم اصالت سالم خانوادگی مروان، به او پرخاش نمود و این آیه قرآن را قرائت کرد: **اِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** (احزاب، ۳۳/۳۳)؛ جز این نیست، که خدا اراده فرموده است، پلیدی را از شما اهل بیت دور دارد و شما را چنان که باید، پاک و پاکیزه بدارد.

مروان، با شنیدن این آیه و این استدلال از سوی امام حسین (ع) بسیار شرمند شد، سر خود را به زیر افکند و خبر این ماجرای تلخ را برای ولید بن عتبه برد.^۱

۳. توکل بر خدا

امام حسین (ع) در پایان وصیت نامه خود به برادرش محمد حنفیه، پس از آن که هدف خود را از قیام، اصلاح امر امت و امر به معروف و نهی از منکر، در مقابل حاکمان فاسد اعلام می کند، با اشاره به سرگذشت حضرت هود پیامبر (ع) که یاران با او همراهی نکردند و تسلیم او نشدند، قرائت کرده است: **ما توفیقی الا بالله، علیه توکلتُ والیه انیبُ** (هود، ۱۱/۸)؛ توفیق من جز به یاری خدا نیست، فقط بر او توکل کرده ام و فقط به سوی او باز می گردم.

۴. خروج با مراقبت

حضرت امام حسین (ع) که برای قیام و خروج خود از مدینه، جهات مختلفی را در نظر گرفته بود، پس از مشاجره با مروان حکم، که در شب واقع شد، تصمیم گرفت در همان

شب تاریک، یعنی شب ۲۸ رجب سال شصت هجری با اعضای خانواده، بعضی از قوم و خویشان و یاران اندک، وطن خود و شهر پیامبر(ص) را ترک بگویند و در حالی که کاروان کوچک آن حضرت از کوچه های مدینه عبور می کرد، وضع خود را با وضع حضرت موسی بن عمران، که از ظلم و ستم فرعونیان در دل شب سر به صحرا گذاشت، تطبیق نمود و آیه ای را که وضع آن پیامبر(ص) را بیان می کرد،^۲ بدین شرح قرائت نمود: **فخرج منها خائفاً يترقب قال رب نجاتي من القوم الظالمين** (قصص، ۲۸/۲۱)؛ پس (حضرت موسی) با ترس و نگرانی از شهر خارج شد و گفت: پروردگارا، مرا از این قوم ستمکار نجات بخش.

۵. معیار مرگ و زندگی

همانطور، که در جنگ بدر، که در (هفدهم یا نوزدهم ماه رمضان سال دوم هجرت) برای پیروزی، سه هزار فرشته به یاری رسول خدا(ص) آمدند،^۳ آن طور که در تاریخ آمده، وقتی امام حسین(ع) هم مدینه را ترک گفت، گروه زیادی از فرشتگان نزد آن حضرت آمدند، تا چنانچه لازم باشد، او را یاری کنند.^۴ ولی امام حسین(ع) با سپاسگذاری از آنان، فرمود: مگر قرآن را فراموش کرده اید، که می فرماید: **اینما تکنونوا یدرکم الموت ولو کنتم فی بروج مشیة نساء**، ۷۸/۴؛ هر جا که باشید، مرگ شما را در می یابد، اگرچه در دژهای استوار باشید.

و نیز خداوند، درباره افرادی که در مورد جنگ احد می گفتند: اگر ما از فتح و پیروزی نصیبی داشتیم، در این جا کشته نمی شدیم فرموده، (ای پیامبر) به آنان بگو: **لو کنتم فی بیوتکم. لبرز الذین کتب علیهم القتال الی مضاجعهم** (آل عمران، ۱۵۴/۳)؛ اگر در خانه های خود هم بودید، کسانی که کشته شدن برآنان نوشته شده بود، به سوی آرامگاه های خود بیرون می آمدند.

هم چنین آن حضرت، به آیه ای که درباره جنگ بدر نازل شده و معیار حق و باطل، برای افراد مخالف هم روشن شده و آنان باز هم به مخالفت و درگیری خود ادامه می دادند، در پاسخ فرشتگان و برای این که مسلمان نمایان به خاطر مبارزه با او خود را به هلاکت و نابودی نکشانند، این آیه را قرائت کرد:

لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی عن بینة (انفال، ۴۲/۸)؛ تا هر کس هلاک

شود، از روی دلیلی روشن هلاک شود، و هر کسی حیات می یابد از روی دلیلی روشن حیات یابد.

۶. به امید خداوند

امام حسین (ع) پس از پیمودن فاصله مدینه تا مکه به مدّت شش روز، جمعه سوّم شعبان سال ۶۰ هجری به مکه وارد شد و آن گاه در مقایسه وضع خویش با حضرت موسی بن عمران، آیه ای را که به آن پیامبر (ص) مربوط می شد بدین نحو قرائت کرد: **وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ: عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ** (قصص، ۲۸/۲۲)؛ و هنگامی که (موسی) به سوی مدین روی آورد، گفت: امید است، پروردگرم مرا به راه راست هدایت کند.

۷. پاداش موجود

حضرت حسین (ع) ماه شعبان و رمضان و شوال و ذی قعدة را تا هشتم ذی حجه در مکه اقامت کرد، با افراد و گروهها و برخی از صحابه پیامبر (ص) ملاقاتها و گفت و گوها انجام داد، هدف خویش و مصائبی را که از سوی بنی امیه بر پیکر اسلام و معارف آن وارد شده بود، برای همگان شرح داد، راه را از چاه تبیین کرد، افرادی را به مبارزه علیه ظلم و ستم دعوت نمود، ولی مسلمانان عافیت طلب از همراهی با وی دریغ کردند و عبد الله بن عباس، پسر عموی آن حضرت هم، وقتی وضع را چنین دید می کوشید، تا از روی دلسوزی و حفظ جان حسین (ع) آن بزرگوار را از ترک مکه برای رفتن به کوفه منصرف کند، اما آن حضرت، پس از آن که تصمیم گرفت مکه را ترک کند، با وجود اصرار ابن عباس، که به نظر خود از روی دلسوزی صورت می گرفت، بعد از آن که «استرجاع» کرد، برای این که ابن عباس و دیگران را بیشتر با تصمیم و هدف خود آشنا کند، این آیه را قرائت کرد: **كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ، وَ اِنَّمَا تُوَفَّوْنَ اُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** (آل عمران، ۳/۱۸۵)؛ هر کسی، چشنده مرگ است، و جز این نیست که روز قیامت پاداش شما به طور کامل به شما داده می شود.

۸. از عمل شما بیزارم

در تاریخ آمده، یزید بن معاویه نامه ای نوشت و آن را از شام به مدینه، برای مردم و

قریش و بنی هاشم فرستاد .

در آن نامه ، اشعاری ضمیمه شده بود ، که طی آنها ، وی خود را با حضرت حسین بن علی(ع) قوم و خویش معرفی کرده ، خود را از گناه و انحراف تبرئه نموده و از مردم می خواهد همراه حسین(ع) نشوند و خود را به هلاکت نیندازند .

وقتی این نامه و اشعار به دست مردم مدینه رسید ، خود آنها هم نامه ای ضمیمه آن کردند و برای امام حسین(ع) فرستادند ، وقتی این نامه به دست آن حضرت رسید ، درحالی که می خواست از مکه به عراق حرکت کند (با توجه به جواب پیامبر(ص) به مشرکان ، که خیره سری می کردند و زیر بار حق نمی رفتند) در جواب نامه یزید ، پس از بسم الله الرحمن الرحیم ، نوشت : **فإن كتبوك ، فقل : لی عملی ولکم عملکم ، أنتم بریئون مما عمل ، وأنا بری مما تعملون** (یونس ، ۴۱/۱۰) ؛ **والسلام .**

ای پیامبر(ص)! اگر تو را تکذیب کردند ، بگو : عمل من برای من ، و عمل شما برای شما ، شما از عملی که من انجام می دهم بیزارید ، من هم از آن چه شما انجام می دهید بیزارم . آن گاه ، امام حسین(ع) یاران خویش را ، که آماده حرکت به عراق همراه او بودند جمع کرد ، به هر یک ده دینار هزینه راه و یک شتر و توشه راه داد و آنان حرکت کردند .^۵

۹ . آن چه را خدا بخواهد

کاروان حسین(ع) و اهل بیت و یاران اندک او ، در مسیر حرکت به عراق ، در منزلگاه «بطن رمه» با عبد الله بن مطیع ، که از عراق باز می گشت ، برخورد کرد ، وی پس از سلام به امام(ع) ، علت خروج آن حضرت را از مدینه جویا شد . امام فرمود : مردم کوفه به من نامه نوشته و دعوت کرده اند ، تا برای احیای آثار حق و نابودی باطل به آن سرزمین روم . عبد الله ، با نگرانی و از روی دلسوزی گفت : تو را به خدا سوگند می دهم ، که از رفتن به کوفه صرف نظر کنی ، زیرا اگر به آن جا وارد شوی (مزدوران بنی امیه) تو را خواهند کشت .

امام(ع) (با توجه به دستور خدا به پیامبر(ص) در برابر منافقان) این آیه را قرائت کرد : **لن یصیبنا الا ما كتب الله لنا** (توبه ، ۵۱/۹) ؛ هیچ حادثه ای برای ما رخ نمی دهد ، مگر آن چه را خدا مقرر داشته است .

و سپس به راه خود، برای رفتن به کوفه ادامه داد. ^۶

۱۰. زیان پیمان شکنی

امام (ع) وقتی، در منزلگاه «ثعلبیه» خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را در کوفه شنید، استرجاع به زبان جاری کرد^۷ و برای آنان چند مرتبه رحمت الهی را از خدا خواست و به راه خویش ادامه داد. ^۸

پس از «صلح حدیبیه» که در ذیقعدۀ سال ششم هجرت، میان پیامبر (ص) و مشرکان قریش مکه واقع شد و عده‌ای سر به عصیان گذاشتند، پیامبر (ص) مأمور شد از مسلمانان بیعت جدیدی بگیرد، که «بیعت رضوان» نامیده شد و گویا بدین خاطر که این پیروزی، مقدمه پیروزی در جنگ خیبر در سال هفتم یا فتح مکه به سال هشتم هجرت بوده ^۹ قرآن کریم، آن را «فتح مبین» نامیده است. ^{۱۰}

به هر حال، بیعت رضوان واقع شده و بدین مناسبت، قرآن فرموده: هر کس پیمان شکنی کند، این پیمان شکنی بر زیان خود او خواهد بود. ^{۱۱}

امام حسین (ع) هم در منزلگاه «بیضه» که با مشکل جلوگیری از سوی حر بن یزید ریاحی مواجه شد و خطابه‌ای مبنی بر دعوت مردم کوفه از خود ایراد نمود و خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را در کوفه شنیده بود، درحالی که به راه خودش ادامه می‌داد، این آیه را قرائت کرد، که می‌فرماید: **وَمَنْ نَكَثَ، فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ**. (فتح، ۴۸/۱۰)؛ هر کس پیمان شکنی کند، بر زیان خویش اقدام کرده است.

و آن حضرت هم چنان به راه خود ادامه داد. ^{۱۲}

۱۱. انتظار ملاقات

حضرت حسین (ع) با کاروان خویش، از منزلگاه «بیضه» مقداری گذشته بود، و حر بن یزید ریاحی و سپاه خویش از سمت چپ آن حضرت حرکت می‌کردند، چهار نفری که از کوفه آمده بودند، آن حضرت از وضع قاصد خود «قیس بن مسهر صیداوی»، که به وسیله او نامه‌ای برای مردم کوفه فرستاده بود، جویا شد، آنان جواب دادند: حصین بن تمیم، او را دستگیر نمود و نزد عبید الله بن زیاد والی کوفه فرستاد، و آن ظالم هم، وقتی متوجه شد

قیس، نامه حسین(ع) را پاره کرده، تا دشمن از محتوای آن مطلع نشود، او را به برائت از امام(ع) وادار نمود و آن گاه که قیس زیر بار نرفت، دستور داد او را از بالای بام دار الاماره به پایین پرتاب کردند و شهید شد. ۱۳

امام حسین(ع) با شنیدن این خبر دردناک به قدری ناراحت شد، که اشک از چشמהای او فرو ریخت و آن گاه، این آیه را قرائت کرد: **و مِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا** (احزاب، ۲۳/۳۳)؛ از میان مؤمنان مردانی هستند، که به آن چه با خدا پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند، پس بعضی از آنان پیمان خود را به انجام رساندند (و شهید شدند) و بعضی از آنان در انتظارند و به هیچ وجه (تعهد خود را) تغییر نداده اند.

هر که غمت را خرید، عشرت عالم فروخت
با خبران غمت، بی خبر از عالمند
یوسف مصر بقا، در همه عالم تویی
در طلبت مرد و زن، آمده باد رهمند
خاک سر کوی تو، زنده کند مُرده را
زانکه شهیدان او، جمله مسیحادمند^{۱۴}

۱۲. یاری از گمراهان؛ هرگز

کاروان کربلایی حسین(ع) به «قصر بنی مقاتل» رسید، بار و بُنه را از مرکبها به زمین نهادند تا اندکی رفع خستگی کنند، در آن نزدیکی چادری به چشم می خورد، که اسبی جلو آن ایستاده بود، وقتی حسین(ع) متوجه شد، صاحب چادر عبید الله بن حرّ جُعیفی است، او را برای یاری و همراهی نزد خویش فرا خواند، اما در عین حالی که وی از ملاقات و یاری حسین کراهت داشت، به حضور رسید و در برابر دعوت آن حضرت، فقط حاضر شد اسب چالاک و شمشیر پر ارزش خود را در اختیار حسین(ع) قرار دهد، تا بدین وسیله از همراهی و یاری او معارف شود، ولی آن حضرت، این آیه را خواند: **وَمَا كُنْتَ تَتَّخِذُ الْمَضَلِّينَ عِضُلًا** (کَهِف، ۵۱/۱۸)؛ من آن گونه نیستم، که گمراه کنندگان را مددکار (ویاور) خود بگیرم. زیرا به نظر حسین(ع) آن روز اسلام، به فداکاری و خون دادن احتیاج داشت.

۱۳. پاداش عمل خویش

راشد بن مزید، می گوید: از مکه تا محلی نزدیک کوفه، همراه حسین(ع) بودم، تا این که هفت نفر از کوفه آمدند و به حضور حسین(ع) رسیدند، آن حضرت از وضع کوفه

پرسید، آنان گفتند: دل های مردم با تو است، ولی شمشیرهای آنان علیه تو است و عبیدالله بن زیاد هم مسلم بن عقیل را شهید کرد.

من گفتم: اجازه می خواهم از تو جدا شوم، آن حضرت فرمود: می خواهی کجا بروی؟ وقتی، من گفتم: به عدن می روم، امام حسین^(ع) با توجه به سخنان حضرت موسی بن عمران، در برابر منحرفان و بهانه تراشان، که به آنان می گفت: هر کس عمل صالحی انجام دهد، نفع آن برای خود او خواهد بود، و هر کس مرتکب بدی شود، در حق خویش بدی کرده است، قرائت کرد: **وما ربک بظلام للعبید**^{۱۵} (فصلت، ۴۱/۴۴)؛ و پروردگار تو، هرگز به بندگان خود ستم نمی کند.

امام حسین^(ع) با خواندن این آیه، به آن مرد فهمانید، در راه ما اکراه و اجباری در کار نیست، آن که به ما پیوندد، پاداش آن را خواهد داشت و هرکس نیز خودداری کند، در حق خود ستم کرده است.

اینها، آیاتی از قرآن کریم بود، که امام حسین^(ع) از مدینه تا کربلا، در برخورد با افراد و نیز برای تبیین هدف خویش در مراحل مختلف مطرح کرده بود و عصر تاسوعا هم، که مورد هجوم سپاه عمر سعد قرار گرفت، برادرش حضرت عباس بن علی^(ع) را فرستاد، تا آنان جنگ را تأخیر بیندازند و فرمود:

فهو يعلم أني كنت أحب الصلاة له، و تلاوة كتابه و كثرة الدعاء والاستغفار؛^{۱۶}
خدا می داند، من نماز و تلاوت قرآن و دعا و استغفار زیاد را دوست می دارم.
و آن حضرت علاوه بر انجام کارهای مهم دیگر، در شب عاشورا، نماز و قرائت قرآن و مناجات با خدا هم را به انجام رسانید.

۱. مقتل خوارزمی، ۱/ ۱۸۵
۲. منتهی الامال، ۱/ ۳۵۰
۳. سوره آل عمران، آیه ۱۲۴.
۴. منتهی الامال، ۱/ ۳۵۲
۵. موسوعة كلمات الامام الحسين (ع) / ۳۲۷.
۶. اخبار الطوال / ۲۲۲.
۷. سوره بقره، آیه ۱۵۸.
۸. ارشاد، مفید / ۲۲۲.
۹. تاريخ پیامبر اسلام / ۴۵۸ تا ۴۵۹
۱۰. سوره فتح، آیه ۱.
۱۱. سوره فتح، آیه ۱۰.
۱۲. موسوعة كلمات الامام الحسين (ع) / ۳۶۱.
۱۳. نفس المهموم / ۸۹.
۱۴. فؤاد کرمانی، شمع جمع / ۱۹۵.
۱۵. موسوعة كلمات الامام الحسين (ع) / ۳۷۰.
۱۶. بحار الانوار، ۴۴ / ۳۹۱.



پروژه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی